**طرح کلی تربیت «شبکه فعالین جهاد تبیین»**

**اهمیت روایت امید**

درگیری امروز با جبهه دشمن حول یک کلمه شکل گرفته است: امید.

چرا؟

امروز چه ویژگی خاصی دارد که دشمن روی این محور متمرکز شده است؟

به طور کلی حرکت و سیر و صیرورت جبهه حق نیاز به امید دارد. اما چرا امروز این نکته نیاز جدی تری است؟

پاسخش را باید در ساز و کار رشد جبهه حق جستجو کرد.

جبهه حق وقتی ظرفیت تلاش خود را به حداکثری ترین وضعیت میرساند مهیای یک جهش است. جهشی درونی که در نقطه های نهایی اضطرار و فشار محتاج امید است. کشور در حال یک انقلاب معنوی دیگر است در حال برداشتن گام دوم است.

جبهه شیطان و طاغوت همه تلاش خود را در این نقطه خرج میکند که شما را نا امید کند از حرکت.

اصل وجود دشمن برای جبهه حق یک فرصت پنهان شده در دل تهدید است. او باعث میشود جبهه حق متوجه حرکت و صیرورت و رشد کیفی خود شود. در این نقطه البته چه بسا ریزشهایی اتفاق بیفتد ولی یک ارتقای کیفی حتمی است. دشمن شما را متوجه آن چه نیازدارید میکند. همان را مهیا میکنید. همان را بازسازی میکنید.

با این حساب جنگ امروز حول یک کلیدواژه شکل گرفته است: امید.

**ضرورت و ویژگیهای «شبکه فعال جهاد تبیین»**

برای آنکه این حقیقت در جامعه جریان پیدا کند چه کنیم؟

نیاز به آن داریم که جلودارهای انقلاب اسلامی و حرکت جبهه حق رشد کیفی کنند. چگونه رشد کیفی کنند؟

رشد کیفی ناشی از انسجام و روابط ولایی

رشد ناشی از ارتقای اندیشه و ایمان

اینجا است که به این تفکر خواهیم رسید که:

یک شبکه موثر و فعال جهاد تبیین

را شکل دهیم.

شبکه ای منسجم که بتواند امید بخش باشد. چگونه میتوان صحنه را امیدوارانه «رویت» کرد که بتوان امیدوارانه «روایت» نمود. این پرسشی است که در قالب بحث از «زاویه نگاه» به آن خواهیم پرداخت. زاویه نگاه رهبران الهی. زاویه نگاه حضرت امام و رهبری حکیم و مقتدر. زاویه نگاه توحیدی.

این زاویه نگاه میتواند بر نگاه های عادی سایه انداخته و آنها را مجهز به ابزاری کند که جامع و کامل واقعیت را ببینند نه ناقص و تقلیل یافته.

بیایید دوباره مرور کنیم؛

اعضای این شبکه جبهه جهاد تبیین باید چه ویژگیهایی داشته باشند؟

حداقل سه ویژگی:

**ولایت:** دارای روابط ولایی حقیقی با بازتاب مجازی (فضای مجازی امروز زمینه پیکار در ساحت رویت و روایت است.)

**روایت :** دارای قدرت بسط و بیان

**رویت :** دارای قدرت کشف و تحلیل

وقتی بحث از قدرت میکنیم یعنی نیاز به فرایند تمرین و اقدام هستیم. در عین اینکه در یک رتبه قبل از آن محتاج آموزش و معرفت میباشیم.

**ولایت:**

برای شکل گیری روابط ولایی حقیقی که در صحنه فضای مجازی بازتاب داشته باشند حداقل این محورها را نیاز داریم.

اولا دانستن اهمیت کار جبهه ای و شبکه ای، روش های آن، لوازمش در سبک زندگی ایمانی ما

ثانیا ایجاد ارتباطات عاطفی و رفاقتی و محبتی با هویت معنوی و رویکرد معنویت جمعی حول اهل بیت

ثالثا تعریف یک پروژه مشترک عملیاتی و بازتاب روشن در فضای مجازی یعنی صحنه تاثیر گذاری در ذهن جامعه

محور اول نیاز به آموزش و مطالعه دارد.

محور دوم در قالب یک هیات تخصصی هنر و رسانه در مکان (زینبیه رسانه) دنبال میشود.

محور سوم نیز در قالب ترسیم عملیاتهای مشترک رسانه ای دنبال میشود همه درگیر کار میشوند و به یکدیگر نظارت هم دارند.

**روایت:**

منظور از قدرت بسط و بیان چیست؟

شخص باید قدرت «کنشگری» رسانه ای و تبیینی باشد. پس

اولا باید بتواند ماموریت رسانه ای روشنی داشته باشد. او باید بتواند برای خودش یک نقشه ماموریتی ترسیم کند. پیش نیاز این نقشه ماموریتی شناخت و تحلیلی است که از صحنه مبارزه بدست میاورد و شناختی که از خودش به عنوان یک کنشگر پیدا میکند و

اراده ای که میخواهد پیش ببرد و نقشی که برای خود تعریف میکند. اثری که آن را دنبال میکند. و همینطور مخاطب خود را مشخص کند.

ثانیا بر اساس نقشی که برای خود تعریف میکند بتواند برای هر کنش رسانه ای اش در تعامل با مخاطبش یک راهبرد و ماموریت مشخص داشته باشد.

ثالثا بر اساس راهبردی که برای یک متن یا محصول هنری رسانه ای انتخاب میکند بتواند یک واقعه و موضوع را انتخاب کند.

رابعا همینطور بر اساس راهبرد خود زاویه نگاهی را که میخواهد در قالب آن واقعه را روایت کند انتخاب کند.

خامسا حالا تلاش کند برای تاثیری که بنا دارد در مخاطب ایجاد کند محتوا و فرم متناسب با آن را انتخاب کند.

سادسا اصول و قواعدی که باید در تولید رعایت کند تا محصول تاثیر لازم را داشته باشد بیاموزد

سابعا خلاقیت و توان به کار گیری قواعد و اصول را تمرین کند و مهارت لازم را کسب کند.

**رویت:**

منظور از قدرت تحلیل و کشف چیست؟

این که بداند کدام واقعیت و موجودیت خارجی را درنظر بگیرد و چگونه و با چه زاویه نگاهی ببیند و بفهمد.

1-موضوع مدنظر ما چه باید باشد؟

اینجا بحث از حقیقت جبهه حق و ماهیت سیاسی اجتماعی میکنیم. اینکه همه امور را باید شخص بتواند اولا در نسبت با این پدیده کلان سیاسی اجتماعی تشخیص دهد. امر سیاسی اجتماعی یک انسان کبیر (جامعه و جبهه کلان) در حال سلوک و حرکت تاریخی است. این پدیده دقیقا چیست و چرا دیدن آن مهم است.

ضرورت انحصار توجه به این پدیده و دیدن امور در دل این پدیده را باید در جای خود مورد توجه قرار داد.

بر این اساس باید بازیگران کلان و اصلی صحنه سیاسی اجتماعی کلان را بشناسد و نقشه عملیات راهبردی آنها را بشناسد. بازیگران اصلی صحنه قدرتها هستند. نسبت و تناسب آنها را باید شناخت و نقشه و طرح عملیات هر یک را باید فهمید.

نظام قدرتهای پیرامون جبهه حق. راس طاغوت. ایادی و جریانهای متصل به آن. قدرتهای تحت تاثیر آن. راس جبهه حق یعنی ولی جامعه. متن مردم. جریانهای فعال سیاسی اجتماعی درون جبهه حق و ....

2-زاویه نگاهی که برای بررسی پدیده ها در بستر آن هویت کلان سیاسی اجتماعی باید مورد توجه قرار دهیم چه ویژگیهایی دارد؟

اساسا زاویه نگاه یعنی چه؟ زاویه نگاه چه تاثیری در سبک تحلیل و نظام محاسبات ما دارد.

زاویه نگاه توحیدی چه تمایز جدی با زاویه نگاه جبهه باطل دارد؟ و این تمایز چه تاثیری را در تحلیلها شکل میدهد.

هر توصیفی در ساحت پدیده های انسانی توصیه خیز است. نظام ارزشی و مطلوبیتها و توصیه ها پشت سر توصیفات وجود دارند و آن را جهت میدهند. زاویه نگاه توحیدی به سمت رشد و سعادت و آخرت و معنویت است. این باعث میشود که تقریری ویژه از ارزشهای خود ارائه دهد. ویژگی اصلی این نظام ارزشی که آن را متمایز میکند از نظام مطلوبیتهای دیگران جامعیت آن است. جامع است پس علاوه بر ظاهر و در انسجام و نسبت روشن با ظاهر، عمق و باطن امور را هم میبیند. اینکه چگونه این زاویه نگاه عمیق و بنیادین نظام ارزشی دیگری را تعریف میکند و سبک توصیف دیگری از پدیده ها را باعث میشود یک رخداد معرفتی عمیق است که باید آموخت و آن را تمرین نمود.

زاویه نگاه توحیدی نتیجه مکتب اسلام ناب توحیدی است.

این مکتب چهار سطح اصلی دارد:

اولا سطح مباحث بنیادین که توحید و نظام اسماء الهی و معارفی از این دست در این جا قرار میگیرند. این سطح راس مکتب است.

ثانیا سطح مباحث ارزشی که اصول راهبردی و بایدهای حاکم بر نظام رفتارهای جامعه را ترسیم میکند. که این سطح قلب مکتب است.

ثالثا سطح مباحث توصیه ای جزئی که وظایف و تکالیف را به صورت دقیق ترسیم مینماید. که این سطح کالبد مکتب است.

این سه تا حاکم بر سطح قدرت و تغییرات کلان اجتماعی هستند. سطح چهارم سطح اعمال این کالبد در واقعیت و کاربست دانش است که نیاز به قدرت و حاکمیت خارجی دارد.

**ضرورت اتصال به پایگاه معرفتی امام خمینی:**

شناخت مکتب امام خمینی ره برای شناخت اسلام ناب یک ضرورت غیر قابل چشم پوشی است. فهم تفصیلی این نکته را میتوان با مطالعه دقیقتر امام و شناخت دین به دست آورد.

اما به نحو اجمالی نیز با توجه به شاخصهای جریان و جبهه حق که در نسبت با اراده الهی خود را سامان میدهد میتوان تطبیق عینی بر جریان حضرت امام ره را مشاهده کرد.

از طرفی یک نگاه کلان به پدیده سیاسی اجتماعی این دوران مشخص میکند که چگونه این شخصیت دوران دیگری را شکل داده و جهان معاصر را ویرایش کرده.

حتی اگر بنای ارزش داوری نیز نداشته باشیم به عنوان پدیده ای که همگان در همه عالم درگیر آن هستند و جامعه ایران را ویرایش کرده است باید آن را بشناسیم.

شناخت آن و نسبتش با دین یک ضرورت مهم و کلی برای انسان امروز است.

**قلب مکتب امام**

مکتب امام نیز دارای همان سطوحی است که در بالا بیان شد. سطح دوم همان است که مکتب سیاسی اجتماعی امام را شکل میدهد. این سطح که قلب مکتب امام است از مباحث بنیادین ارتزاق میکند و سطح پایین تر را پشتیبانی میکند. این سطح را متوجه شویم عملا مجبوریم به هر دو ساحت دیگر سر بزنیم. این سطح سهل الوصول است اما کلان و جامع نیز هست. این سطح میتواند نگاه ما را مسلح کند. مسلح به چه چیز؟ مسلح به آن اصول راهبردی و محوری تغییری که از جامعه و وضع موجود میخواهیم درش اتفاق بیفتد. وضعیت موجود را با این اصول میسنجیم و توصیه خواهیم گفت. با مراجعه به تخاطب امام خمینی و امت و همینطور تفسیر مهمترین شاگرد و تفصیل دهنده مکتب او یعنی رهبر حکیم و اندیشمند انقلاب میتوانیم به اصول پر بسامد مکتب امام دست پیدا کنیم.

این اصول راهبردی یک مغزا و محور کلیدی و اصلی دارد.

نظام این اصول در مکتب امام بر اساس آن محور کلیدی که مغزا و روح دیگر اصول است شکل میگیرد.

شناخت این اصول کلی آن چشم مسلح را به ما خواهند داد.

چشمی که بر اساسش میتوانیم هر امر انسانی را توصیف کنیم. هم دستگاه اراده کفر را بشناسیم هم دستگاه اراده حق را . هم وضعیت موجود جامعه را و ....

شناخت این اصول و نظام ارزشی بر محور آن مغزای اصلی که زاویه نگاه متفاوت توحیدی را در عصر حاضر در ذات خود دارد، میتواند چشم ما را مسلح به یک زاویه نگاه عمیق و جامع و ناظر به تغییر و رشد بنماید. زاویه نگاهی که اولا باعث فهم و تشخیص انسجام و هماهنگی این اصول میشود. ثانیا تمایز آنها را از مکاتب متداول دیگر در دنیای امروز نشان میدهد.

**جمع بندی**

خوب با این حساب **به طور خلاصه** برای رویت و روایت درست امور چه باید کرد؟

به عنوان مقدمه باید درباره سه ضرورت مهم بحث کنیم.

**اولا** ضرورت ملاحظه امور در بستر پدیده کلان سیاسی اجتماعی

**ثانیا** ضرورت زاویه نگاه توحیدی جامع

**ثالثا** ضرورت رجوع به امام خمینی ره و اندیشه های او.

بعد از اینکه این سه ضرورت بررسی شد نوبت به این مراحل خواهد رسید:

**اولا** نظام هم آهنگ ارزشی مبتنی بر آن مبانی توحیدی را بیاموزیم.

به نحوی که؛

*هم* آن زاویه نگاه جامع توحیدی را در آنها دریابیم.

*هم* انسجام و پیوستار آنها را فرابگیریم.

*هم* تمایز آنها را مکاتب متداول امروز دریابیم. اجمالا تفاوت آن ها را در تبیین و توصیف امور مشاهده کنیم.

**ثانیا** جریان آن را در عمل و سیره رهبران انقلاب بررسی کرده و عینی تر تاثیر این زاویه نگاه را مشاهده نماییم.

**ثالثا** تلاش کنیم در وقایع جاری و پیرامونمان در بستر همان هویت سیاسی اجتماعی این زاویه نگاه و سبک تحلیل را به کار گرفته و تمرین کنیم.